

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصہ کتاب روانشناسی سیاسی

نویسنده:

سعید عبدالملکی

فصل اول: تاریخچه، تعاریف و مفاهیم

- کلمه **psycho** در زبان یونانی به معنی روح و **logos** به معنی بیان کردن است.
- روانشناسی، رفتار و فرآیندهای ذهنی را به نحوی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.
- فرآیندهای ذهنی شامل افکار، احساسات و انگیزه‌ها است.
- به هر فعالیت قابل مشاهده ارگانیک، رفتار می‌گویند.
- خاستگاه تاریخی روانشناسی را می‌توان فلاسفه بزرگ یونان باستان از جمله سقراط، افلاطون و ارسطو دانست.
- بقراط که وی را پدر پزشکی می‌نامند و معاصر سقراط بوده، مشاهداتی درباره نحوه کنترل مغز بر اندام‌های بدن انجام داد که زمینه‌ساز رویکرد زیست‌شناخت در روانشناسی است.
- در دیدگاه فطری‌نگری گفته می‌شود که آدمیان با گنجینه‌ای از دانش و توان فهم واقعیت، زاده می‌شود.
- فیلسوفان آغازین بر این باورند که دانش و فهم آدمی از طریق استدلال و درون‌نگری بدست می‌آید.
- دکارت معتقد بود که بدن آدمی، یک ماشین است و مثل هر ماشین دیگر، قابل بررسی است.
- دیدگاه دکارت، سرآغاز رویکردهای پردازش اطلاعات درباره ذهن انسان است.
- دیدگاه تجربه‌گرایی بر آن است که دانش از طریق تجربه‌ها و تعامل آدمی با جهان بیرون کسب می‌شود.
- لاک که دیدگاه تجربه‌گرایی با وی عجین شده، معتقد است ذهن آدمی در بدو تولد همچون لوح نانوشته‌ای بوده که تجربه‌های جریان رشد او، دانش و فهم را روی آن ثبت می‌کند.
- دیدگاه فوق، سرآغاز پیدایش روانشناسی تداعی‌گرا است.
- تداعی‌گرایان، وجود اندیشه‌ها و توانایی‌های فطری را قبول نداشتند. بلکه در عوض، بر آن بودند که ذهن از اندیشه‌هایی انباشته می‌شود که از طریق حواس به آن راه می‌یابند.
- پژوهش‌های کنونی در زمینه حافظه و یادگیری با نظریه آغازین تداعی‌گرایی پیوند دارد.
- مناقشه بین فطری‌نگری و تجربه‌گرایی، امروزه تحت عنوان مناقشه طبیعت – تربیت ادامه دارد.
- اکثر روانشناسان، رویکردی تلفیقی نسبت به اساس اندیشه و رفتار دارند.
- آغاز روانشناسی علمی مقارن با تاسیس نخستین آزمایشگاه روانشناسی توسط وونت در دانشگاه لایپزیک آلمان در سال ۱۸۷۹ است.
- خاستگاه تاسیس آزمایشگاه وونت بر این باور است که ذهن و رفتار مانند مواد شیمیایی یا اندام‌های بدن می‌توان با روش‌های علمی بررسی کرد.
- ۳ نوع از مهمترین نظریات مطرح در روانشناسی عبارتند از: الف) روانکاوی که به مطالعه ناهوشیار انسان می‌پردازد، ب) رفتارگرایی که براساس مشاهده رفتار آشکار به بررسی و شناخت انسان دست می‌زند، ج) انسان‌گرایی که به قدرت اراده انسان و تمایل فطری او بسمت شکوفا شدن قائل است.

مفهوم سیاست:

- ✓ سیاست در لغت از ریشه سائس و ساس و معنای آن، رعیت‌داری و نگهداری آنهاست.
- ✓ ابوالقاء کلمه سیاست را چنین معنا کرده است: سیاست عبارتست از حفظ مصالح ملت و نشان دادن راه نجات در حال و آینده.

- ✓ واژه Politics از واژه یونانی Polis به معنی شهر گرفته شده و از نظر ارسطو، شهر، موضوع علم سیاست است.
- ✓ فرهنگ لیتره، سیاست را علم حکومت بر کشورها و فرهنگ روبر، سیاست را فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی می‌داند.
- ✓ مک‌آیور، سیاست را به معنای اعمال قدرت و تشکیلات متمرکز معرفی می‌کند.
- ✓ بورلاتسکی، راسل و رابرت دال، سیاست را به معنای قدرت و اقتدار می‌دانند.
- ✓ نیچه می‌گوید: قدرت، نخستین حق را بدست می‌دهد و هیچ حقی نیست که در باطن، نوعی گستاخی، غضب و خشونت نباشد.
- ✓ اندیشمندان اسلامی، سیاست را با واژه‌هایی نظیر تدبیر، هدایت، سعادت، فضیلت و خیر برین تعریف کرده‌اند.
- ✓ غزالی، سیاست را ابزاری می‌داند که انسان را به خداوند می‌رساند.
- ✓ خواجه نصیر در اخلاق ناصری، سیاست را مترادف تدبیر قرار داده و آن را به تدبیر منزل، تدبیر خدم و عبید، تدبیر اولاد، تدبیر مدن و ... تقسیم کرده و همه را جزء حکومت عملی قلمداد می‌کند.
- ◀ سیاست در پی شناخت زوایای مبهم و تاریک ذهن، روان، رفتار و نیت انسان در تعادل مستمر با جامعه و حکومت است.

تعریف روانشناسی سیاست:

- ✓ روانشناسی سیاسی علم بررسی نحوه تعامل پدیده‌های روانشناختی و سیاسی در یک شخص یا گروه خاص در زمان، مکان، نظام و فرهنگ سیاسی خاص است.
- ✓ هدف روانشناسی سیاسی: الف) شناخت تاثیر عوامل روانشناختی بر پدیده‌های سیاسی و ب) شناخت پدیده‌های سیاسی بر جنبه‌های روانشناختی انسان است.
- ✓ برخی پدیده‌های روانی عبارتند از انگیزش، هیجان، باورها، علایق، ارزش‌ها، تجربه‌های پیشین فردی و گروهی و ...
- ✓ برخی پدیده‌های سیاسی عبارتند از رفتار رای‌دهی، شورش، انقلاب، تروریسم، روابط بین‌الملل، رهبری سیاسی و ...
- ✓ یکی از اهداف روانشناسی سیاسی، وضع قوانین عمومی رفتار است که به توضیح و پیش‌بینی رویدادهایی کمک می‌کند که در موقعیت‌های گوناگون رخ می‌دهد.
- ✓ در روانشناسی سیاسی، دو حیطه متفاوت وجود دارد: الف) علاقه‌مند به بررسی رفتار توده‌ای مثل اینکه مردم چگونه رای می‌دهند و تاثیر افکار عمومی بر سیاست‌های حکومتی و ب) رفتار نخبگان مثل اینکه چگونه ادراکات نخبگان، به سیاست‌های حکومت شکل می‌دهد و تاثیر شخصیت بر رهبری.
- ✓ تبیین‌های روانشناسی اجتماعی از رفتار سیاسی (تاکید بر تاثیر وضعیت‌ها در رفتار)، متفاوت‌تر از تبیین‌های روانشناسی شناختی (اهمیت ویژگی‌های فردی در شکل‌دهی رفتار) و سنت قدیمی‌تر روانشناسی ناپهنجاری هستند.
- ✓ رفتار سیاسی یعنی برون‌ریزی دغدغه‌های شخصی در عرصه عمومی و نیز هر نوع فعالیت طرح‌ریزی شده برای رسیدن به برخی اهداف و فعالیت‌های سیاسی که افراد به آن مشغول هستند.
- ✓ اغلب پیش‌بینی علم سیاست، رفتار انسان بوده و روانشناسی، منبع طبیعی بینش‌های تحقیقات سیاسی است.

ریشه‌های تاریخی:

- ✓ گراهام والاس با کتاب طبیعت بشر در سیاست و ریورس با کتاب روانشناسی و سیاست، سهم عمده‌ای در پیشبرد این علم داشته‌اند.
- ✓ کاربرد روانشناسی برای مطالعه طبیعت بشر و رفتار سیاسی انسان، از تحولات قرن بیستم است.
- ✓ بنیاد مطالعات کاربردی روانشناسی در فعالیت‌های انسان را لاسول گذاشته و پیشرفت بزرگتر در این زمینه به موجب لاسول، محقق شد.
- ✓ لاسول سعی در بکارگیری روان تحلیل‌گری در سیاست داشت.
- ✓ کتاب آسیب‌شناسی روانی و سیاست، اولین بار در سال ۱۹۳۰ چاپ و اولین بنیانگذار روانشناسی سیاسی شد.
- ✓ لاسول، بسیار تحت تأثیر چارلز مریام بود و اساس استدلالات وی، چیزی بود که خود، آن را شخصیت سیاسی نامید. شخصیتی که در نتیجه جابجایی مشکلات خصوصی با حوزه عمومی بوجود می‌آید.
- ✓ به اعتقاد لاسول، جنبش‌های سیاسی از جابجایی عاطفه شخصی با هدف‌های عمومی ناشی می‌شود.
- ✓ سرکوب انگیزه‌های ناخودآگاهانه، نقش زیادی در آثار لاسول داشته و رابطه جنسی و پرخاشگری را محرک‌های مسلط بر انسان‌ها می‌داند.
- ✓ کتاب آسیب‌شناسی روانی و سیاست بر این ایده است که سیاستمداران، نیازهای شخصی‌شان مانند نیاز به اعتماد بنفس را به جهان عمومی رانده و با نیازهای عمومی جابجا می‌کنند.

روند شکل‌گیری:

- ✓ روانشناسی سیاسی از دهه ۱۹۲۰، کار خود را با بررسی درباره شخصیت و سیاست به ویژه روانکاوی رهبران سیاسی آغاز کرد.
- ✓ دومین موج روانشناسی سیاسی در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ با افزایش علاقه به بررسی نظام‌مند افکار عمومی و رفتار رای دادن در آمریکا ظاهر شد.
- ✓ در سال ۱۹۶۰ با انتشار کتاب رای دهنده آمریکایی توسط کمپل، کانورس، میلر و استاکس، سنت استفاده از روانشناسی سیاسی برای بررسی نگرش عمومی به سیاست، شکل گرفت.
- ✓ سومین موج روانشناسی سیاسی، طراحی چارچوب‌های روانشناختی سیاسی برای تحلیل رفتار در امور بین‌الملل است که در دهه ۱۹۶۰ و بررسی برداشت‌های روسی-آمریکایی از یکدیگر و پژوهش‌های مربوط به جنگ ویتنام پدید آمد.
- ✓ از دهه ۱۹۷۰، مفاهیم روانشناسی سیاسی در درک ما از بازدارندگی هسته‌ای، جنگ‌های گذشته، تصمیم‌گیری در بحران‌ها، ملی‌گرایی، تعارضات نژادی و انواع موضوعات در سیاست بین‌الملل بکار رفته است.
- ✓ موج چهارم روانشناسی سیاسی برای توضیح آنچه سیرز، مرگ و وحشت نامید، گشوده شد.
- ✓ مرگ و وحشت شامل آثاری بوده که به بررسی تروریسم، پاکسازی نژادی، نسل‌کشی و سایر الگوهای رفتاری می‌پردازد و در برگیرنده سطوح فوق‌العاده‌ای از خشونت با انگیزه‌های سیاسی است.

مک‌گوایر، سه مرحله کلی را در توسعه روانشناسی معرفی می‌کند:

۱. دوره مطالعات شخصیت در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۵۰ میلادی با تسلط روانکاوان.